

## نکاتی از خطبه غدیر

(ولایت مولا علیه السلام در قرآن و کلام معصومین علیهم السلام)

### بخش نخست:

هدف خداوند از بیان داستان «تبعیت قوم موسی از سامری» در قرآن چیست؟ و چرا رسول

اکرم (ص) در خطبه غدیر به این داستان اشاره کرده‌اند؟

برای درک این حقیقت باید به آیات مرتبط و فرمایشات رسول خدا (ص) و نیز سایر معصومین توجه نمود. به این منظور به ترتیب آیات و روایات مرتبط را در ادامه می‌آوریم. برای درک درست و رسیدن به پاسخی که خداوند متعال و معصومین سلام الله علیهم اجمعین می‌خواهند ما دریابیم، شایسته است با توسل به خداوند تعالی و حضرات معصومین علیهم السلام از ایشان بخواهیم که حقیقت امر را به ذهن ما الهام نمایند. که به مصداق آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) انشالله نور هدایت و آگاهی در بهترین زمان و شرایط ممکن از جانب ایشان بر قلب‌های ما خواهد تابید. چرا که «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آیه ۳۵، سوره نور) یعنی «فإنه عز و جل هاد لأهل السماوات والأرض»<sup>۱</sup>

○ آیات مربوط به سامری در قرآن که در «سوره طه» آمده است:

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّاتُ لِي نَفْسِي (۹۶)

<sup>۱</sup> - التوحيد للصدوق، ص ۱۵۶، باب تفسیر قول الله عز و جل الله نور السماوات والأرض إلى آخر الآية: أن تأويل قوله - الله نور السماوات والأرض هو ما قاله الرضا ع ... فإنه عز و جل هاد لأهل السماوات والأرض المبين لأهل السماوات والأرض أمور دينهم و مصالحهم... /حضرت امام رضا (ع) فرموده اند که این آیه دلالت می‌کند بر اینکه خدای عز و جل راهنمای اهل آسمان‌ها و زمین است و از برای اهل آسمان‌ها و زمین امور دین و مصالح ایشان را بیان و آشکار فرماید...

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي  
ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْهَرَقَنَّهُ ثُمَّ لِنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (۹۵)

گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن

را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (۹۶)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی «با من

تماس نگیر!»<sup>۲</sup> و تو میعاد (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت

که پیوسته آن را پرستش می کردی! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم؛

سپس ذرات آن را به دریا می یاشیم! (۹۷)

---

<sup>۲</sup> - در باره عبارت (لا مساس) چنین آمده است: به گفته طبرسی در آن اختلاف شده است، بعضی گفته اند: او مجبور بود به امر خدا به مردم بگوید که با او مجالست و همنشینی نداشته باشند، تا بر او سخت بگذرد و در مدت حیاتش در انزوا باشد، و گفته اند: سامری همواره ترسان و گریزان بود و مانند وحوش در بیابان بسر می برد، تا آنجا که گویی بخاطر دوری از مردم مانند کسی بود که بگوید: (نزدیک من نشوید).

(علی بن ابراهیم) با اسناد به امام صادق (ع) می نویسد، خداوند هیچ رسولی را بر نیانگیخت جز اینکه در هنگام دعوت او دو تن از شیاطین او را آزار و اذیت کرده و فتنه انگیزی می کردند و مردم را بعد از او گمراه می نمودند، مخصوصاً پنج پیامبر اولو العزم: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، و محمد (ص).

شیاطین نوح (ع)، فیطقوس و حزام بودند. شیاطین ابراهیم (ع)، مکیل و زدام بودند. شیاطین موسی (ع)، سامری و مرعقیبا بودند. شیاطین عیسی (ع)، مولس و مریسان بودند. و شیاطین حضرت محمد (ص)، حَبْتَر و زریق بودند، حبتَر یعنی روباه که به شخص مزور و حيله گر گویند و زریق به شخص کبود چشم گویند و نیز به شخص بد اخلاق و خشمگین گفته می شود که به اعتقاد ما مراد اولی و دومی هستند، همان طور که خدای متعال می فرماید: وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا [سوره طه، آیه ۱۰۲]. (کتاب قصص الأنبياء) (قصص قرآن، ص: ۳۹۹)

نکته (از نویسنده این مقاله): حَبْتَر که به معنای روباه است، شاید کنایه از گروهی دارد که با فتنه و دسیسه توطئه نموده و آگاهانه خلافت را غصب کردند. و زریق که به معنای نابینا است، شاید کنایه از کسانی است که ناآگاهانه و جهالت زده اسیر توطئه های فتنه گران و منافقین شدند. (راغب در مفردات می گوید: مراد خدای تعالی از «زُرْقًا» در آیه ۱۰۲، سوره طه این است که: دیدگان شان کور است و نوری ندارد. همچنین در کتاب العین ذیل این آیه شریفه آمده است که: «و قول الله - عز و جل - : وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا، برید عمیا (نابینا) لا بیصرون» ) پس با این حساب شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که امام صادق علیه السلام بر اساس تقسیم بندی قرآن در سوره حمد، مردمان را به سه دسته تقسیم نموده اند: دسته اول هدایت یافتگان، یعنی حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت اطهار ایشان و هر کس که در مسیر آنها گام بردارد. دسته دوم و سوم یعنی کسانی که در مقابل ایشان باشد که امام صادق علیه السلام با عنوان شیاطین از آنها نام برده اند. چرا که شیطان در لغت از شطن به معنای انحراف از مسیر حق و میل به سوی باطل و شرارت است. و البته شیاطین خود به دو گروه تقسیم می شوند: گروه اول کسانی که آگاهانه و از روی عناد و عمد با حق مبارزه می کنند. که قرآن آنها را مغضوب علیهم معرفی نموده و امام صادق علیه السلام با عنوان حَبْتَر به معنای حیوانی حيله گر و مکار از آنها نام برده اند. و اما دسته سوم که در قرآن همان ضالین می باشند، در حقیقت کسانی هستند که راه حقیقت را گم کرده اند (گمراهان) و دلیل آن نادانی و جهالت و عدم آگاهی است. که امام علیه السلام در اینجا ایشان را با عنوان زریق یعنی افرادی نابینا معرفی نموده اند. (توجه داشته باشید که بینایی با عامل دیگر که نور باشد، ممکن می شود. و نور یعنی نیروی معرفت و علم که منجر به ایمان و آن گاه بهره بردن از هدایت الهی می شود.) والله اعلم بالصواب.

## ○ اشاره به سامری در خطبه غدیر:

وَبَلَّغَ مَنْ حَجَّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْأَعْرَابِ سَبْعِينَ أَلْفَ إِنْسَانٍ أَوْ يَزِيدُونَ  
عَلَى نَحْوِ عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى السَّبْعِينَ أَلْفَ الَّذِينَ أَخَذَ عَلَيْهِمْ بَيْعَةَ هَارُونَ فَانكثوا وَ اتَّبَعُوا الْعِجْلَ وَ السَّامِرِيَّ  
وَ كَذَلِكَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْبَيْعَةَ لِعَلِيٍّ بِالْخِلَافَةِ عَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى فَانكثوا الْبَيْعَةَ<sup>۳</sup>

باری رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه هفتاد هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند- مانند همان تعداد که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت و عهدشکنی کردند و در آخر از گاو و سامری تبعیت نمودند.<sup>4</sup>

## ○ اشارات دیگری به سامری در روایات و احادیث:

### ۱- نصیحت پیامبر(ص) پیش از وفات، به مولا امیرالمومنین علیه السلام:

«این امت در آینده با تو حیل و غدر<sup>۵</sup> نموده و سفارش مرا در بارهات زیر پا می‌نهند، و این را بدان که تو نسبت به من چون هارونی نسبت به موسی، و پس از من؛ امت هدایت شده در مثل مانند هارون و شیعیان او، و امت گمراه نیز همچون سامری و اتباع او خواهند بود.»<sup>۶</sup>

<sup>3</sup>- احتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، احتجاج النبی ص یوم الغدیر علی الخلق کلهم و فی غیره من الأيام بولاية علی بن أبی طالب ع و من بعده من ولده من الأئمة المعصومین صلوات الله علیهم أجمعین ..... ص : ۵

<sup>4</sup>- احتجاج-ترجمه جعفری، ج ۱، احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم بر تمام مردم - در ولایت علی بن أبی طالب و سایر فرزندان او از امامان معصوم علیهم السلام - ..... ص : ۱۱۸

<sup>5</sup>- غدر: الغدر: اخلال در چیزی و ترک عهد و پیمان نیز گفته می‌شود و از این معنی است واژه غادر- جمعش - غدره- یعنی رونده و ترک کننده. غدار: زیاد مکر و غدر کننده. / اغدر و غدر: آبی که سیلابها در گودیها بجا می‌گذارند و به آنجاها می‌رسد، جمعش - غدر و غدران است. (ترجمه مفردات، ج ۲، ص: ۶۸۷)

[معنای کلمه غدیر ما را متوجه می‌سازد که تحقق این واقعه بزرگ در نقطه‌ای از زمین که نامش غدیر بوده؛ قطعاً تصادفی نبوده اس. در حقیقت خداوند حکیم که محیط بر ذره ذره این عالم و تمام حوادث است، اذهان اهالی و مردم منطقه غدیر خم را طوری هدایت نموده است که نام این منطقه را غدیر بگذارند تا برای اولی‌الابصار عاملی برای تفکر و تدبیر و تنبیه باشد. در تأویل مفاهیم قرآنی و نیز در روایات، مفهوم «آب» به معنای علم و معرفت است. و لذا می‌توان جریان هدایت الهی و خط انبیاء را همان سیلابها و رودهایی دانست که در مسیر تاریخ جاری گشته و درست در زمانی که رسول اکرم

## ۲- فرمایش امیرالمومنین علیه السلام در مورد حسن بصری:

از ابو یحیی واسطی نقل است که پس از فتح بصره گروهی نزد حضرت امیر علیه السلام شتافته و در میان ایشان حسن بصری دیده می‌شد که اوراقی در دست گرفته و سخنان امیر المؤمنین علیه السلام را ضبط می‌کرد. امیرالمؤمنین به صدای بلند او را خطاب کرد که چه می‌کنی؟ گفت: فرمایشات شما را می‌نگارم تا پس از شما آنها را حدیث کنم. پس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بدانید که در میان هر جمعیتی یک نفر سامری می‌باشد، و این فرد؛ سامری این امت است، بدانید که او نمی‌گوید به من نزدیک نشوید (لامسّاس) بلکه از جنگ نهی کرده و می‌گوید: «لاقتال».<sup>۶</sup> (در تفسیر ابوالفتح در قولی گوید: «موسی بنی اسرائیل را نهی کرد از آنکه با سامری آمیزش کنند و امر کرد او را از خود برانند و در میان خود راه ندهند و از آبادی بیرون کنند».)<sup>۸</sup>

---

صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند مأمور به ابلاغ ولایت مولا علیه السلام شده اند، در یک نقطه متمرکز شده و مفهوم «غدیر» محقق می‌شود. و این تاویل با مضامینی که توسط معصومین علیهم السلام در مواضع متعددی از جمله در زیارات ائمه اطهار آمده است مطابقت کامل دارد. آنجا که مثلاً در زیارت جامعه کبیره می‌فرمایند: «میراث النبوه عندکم» و یا در مواضع دیگر که در زیارات معصومین علیهم السلام عبارت «یا وارث» را در کنار اسامی انبیاء الهی مشاهده نموده‌اید و به این معنا است که جریان سیر نبوت در انتهای تکامل خویش در ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان قرار گرفته است. درست مثل سیلابهایی که پس از طی مسیرهای مختلف در نهایت در یک نقطه به هم پیوسته‌اند.]

6- احتجاج-ترجمه جعفری، ج ۱، ص: ۱۷۱- «ذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَوْعَزَ إِلَيَّ قَبْلَ وَفَاتِهِ وَقَالَ لِي يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ الْأُمَّةَ سَتَعْدُرُ بِكَ مِنْ بَغْدَى وَتَنْقُضُ فَيْكَ عَهْدِي وَإِنَّكَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَإِنَّ الْأُمَّةَ مِنْ بَغْدَى كَهَارُونَ وَمَنْ اتَّبَعَهُ وَالسَّامِرِيُّ وَمَنْ اتَّبَعَهُ» (اقتحاج علی أهل اللجاج)

7- احتجاج-ترجمه جعفری، ج ۱، ص: ۳۷۲

8- «اما داستان سرایی و نشستن در کنار قصه‌گویان بدعت است، و پیشینیان آن را نهی کرده و گفته‌اند: داستانسرایی در زمان پیامبر خدا (ص) و در دوران خلفا وجود نداشته است، و آنگاه که در میان مسلمانان فتنه پدید آمد، قصه‌گویان ظاهر شدند. علی (ع) قصه‌گویان را از مسجد بصره بیرون کرد، و چون به گفتار حسن بصری گوش داد، او را از مسجد نراند، زیرا وی درباره علم آخرت. یادآوری مرگ، آگاه کردن مردم بر عیوب نفس و آفات اعمال، و سوسه‌های شیطان و طریق پرهیز از آنها، یادآوری نعمتهای الهی و کوتاهی بندگان در ادای شکر او، شناساندن پستی و حقارت دنیا و عیوب و ناپایداری و بیوفایی آن و خطرات و هول و هراس آخرت سخن می‌گفت.»

می‌گویم: اگر آنچه غزالی گفته است درست باشد که علی (ع) حسن بصری را از مسجد بیرون نکرده، شاید علت آن پرهیز از شر او بوده است، زیرا وی منافق و دشمن امیر مؤمنان (ع) بود، و در مواضع خود مردم را از فرمانبرداری آن حضرت و پیوستن به او در جنگ منع می‌کرد، با این که بیشتر سخنانی را که حسن ایراد، و با آنها مردم را موعظه، و در مجالس خود افاده می‌کرد، مأخوذ از

### ۳- فرمایش مولا علیه السلام به سلمان :

«سلیم رضی الله عنه گوید در آن زمان (هنگام ایراد خطبه غدیر توسط رسول خدا) امیر مؤمنان روی مبارک به سلمان آورده گفت ای سلمان یقین دان که این قوم بالتمام بعد از وفات سید الانام مرتد گشتند و از دین و آئین اسلام برگشتند الا آنکه حضرت ایزد علّام او را به محبت آل محمد علیهم السلام نگهدارد.

ای سلمان مقدمات ما و این منافقان بعینه همان مقدمات هارون و قوم بنی اسرائیل است که بعد از غیبت موسی علیه السلام چنانچه آن طایفه تابع سامری گشته شیوه گوساله پرستی برداشتند و هارون (ع) و عهدی که موسی کلیم (ع) در باره آن نبی لازم التکریم کرده بودند، نسیا منسیا انگاشتند.<sup>۹</sup>

این قوم بعد از غیبت رسول رب العزیز عهد و شرطی که با آن حضرت در باب ولایت و امامت من که به حکم حضرت مهیمن این طایفه کرده بودند گذاشتند و بر وفق خواهش نفس و دواعی از خواهش خود کسی را بواسطه امارت خود برداشتند و این جماعت به سنت آن امت اقتداء نمودند.

من از حضرت رسول مجید شنیدم که می فرمودند این قوم بعد از من تبدیل دین و آئین خود به سنت بنی اسرائیل نمایند قدوه به قدوه<sup>۱۰</sup> و نعل به نعل و شبر به شبر<sup>۱۱</sup> و ذراع به ذراع<sup>۱۲</sup>»<sup>۱۳</sup>

---

کلمات امیر مؤمنان (ع) بود، زیرا وی در مجالس سخنرانیها و موعظه‌های آن حضرت می‌نشست، و بیانات امام (ع) را می‌نوشت و حفظ و سپس آنها را برای مردم به گونه‌ای که گویا گفتار خود اوست ایراد می‌کرد، تا آن جا که دانشمندان عامه گفته‌اند: سخنان حسن به گفتار پیامبران شبیه است، و بی‌شک مأخوذ از سخنان کسی است که پیامبران به او افتخار می‌کرده‌اند، از ابی یحیی واسطی روایت شده که گفته است: هنگامی که امیر مؤمنان (ع) بصره را گشود مردم بر گرد آن حضرت اجتماع کردند، و حسن بصری نیز در میان آنها بود، و الواحی به همراه خود داشت، که هر سخنی امیر مؤمنان (ع) می‌گفت وی آن را می‌نوشت، آن حضرت با آواز بلند به او فرمود: «چه می‌کنی؟» پاسخ داد: آثار شما را می‌نویسیم تا پس از شما آنها را روایت کنیم. امیر مؤمنان (ع) فرمود: «آگاه باشید، هر قومی دارای سامری است، و این مرد سامری این امت است» جز این که او لامساس (دست نزن) نمی‌گوید، بلکه لا قتال (جنگی نیست) می‌گوید، و این را شیخ طبرسی در کتاب احتجاج خود نقل کرده است (ص ۹۲، چاپ نجف) [راه روشن، جلد ۱، ص: ۱۷۸]

<sup>۹</sup> - در خصوص این فرمایش مولا (ع) توجه نمایید به انطباق این گروه با کسانی که در قرآن به دلیل فراموش کردن سرانجام اعمالشان و وعده الهی یعنی معاد، در جهنم جاودان خواهند شد: «فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (سجده، ۱۴) (و به آنها می‌گوییم: بچشید عذاب جهنم را!) بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!

<sup>۱۰</sup> - الْقُدُوءُ: اقدوا! بی‌شوا، مقتدای، آنچه که از آن پیروی کنند. (فرهنگ ابجدی)

<sup>۱۱</sup> - الشُّبْرُ: ج اَشْبَارُ: وجب که فاصله‌ی میان انگشت ابهام و گوشه‌ی طرف انگشت کوچک (خنصر) در حالیکه کشیده شده باشد؛ «شِبْرًا قَشِيرًا»: بندریج، کم کم، غمر (فرهنگ ابجدی)

#### ۴- احتجاج سلمان با مسلمانان بعد از رحلت رسول اکرم(ص):

ذکر بیان احتجاج سلمان فارسی رضی الله عنه بر قوم در خطبه که بعد از حضرت (ص) بر ایشان خواند در هنگامی که ترک اطاعت امیر المؤمنین علی علیه السلام نموده اختیار دیگر کردند عهدی که با رسول در باب کرده بودند سر لب انداختند چنانچه گوئیا هرگز ایشان آن را ندانستند:<sup>۱۴</sup>

امام الناطق الامین جعفر بن محمد الصادق رضوان الله علیه و آباءه أجمعین نقل از پدر بزرگوار خود محمد الباقر (ع) و آن حضرت از آباء کرام و أجداد عظام علیهم سلام الملك العلام نقل کردند که سلمان فارسی رضی الله عنه بعد از وفات حضرت سید المرسلین (ص) و انقضاء سه روز از تکفین و تدفین برای جمعی از مهاجر و أنصار و باقی طوایف اَنام سید الأبرار خطبه خواند و در اثنای خطبه گفت:

ای معشر مردمان حدیثی از من گوش کنید و آن را به عقل و هوش بسنجید و فراگیرید. مرا بر حقایق احوال وصی رسول ایزد ذو الجلال امیر المؤمنین علی (ع) علم بسیار است اگر شما را تمامی آنچه من در باب فضایل و کرامات و شرف خصایل و مقامات علی (ع) مطلع و مخبرم حکایت کنم:

جمعی از شما چون آن مراتب علم و کمال و رتبه فضل و حال را از حیطة ضبط بشریت بیرون می‌دانید به یقین مرا بعضی نسبت به جنون داده خواهند گفت که: سلمان مجنونست، و برخی دیگر خواهند گفت که خدایا کشنده سلمان را بیا مرز زیرا که او علی اللّهی و مشعشی<sup>۱۵</sup> است، لیکن شما را ای امت آرزو و منیت بسیار است و آن را بلایا تابع شداید بیشمار است و علم منایا و بلایا و میراث وصایا و فصل خطاب و أصل أنساب با امیر المؤمنین علی علیه السلام است چنانچه هارون بر منهج موسی بن عمران علیه السلام بود، علی بر منهج حضرت نبی الهاشمی (ص) بوده است، زیرا که حضرت سید البشر به امیر المؤمنین حیدر گفت:

یا علی تو وصی من در اهل بیت من و خلیفه من در امت منی و منزلت تو ای علی نزد من چون منزلت هارون در نزد موسی علی نبینا و علیه السلام است.

---

<sup>12</sup> - الذّراع: ج أذرع و ذرّعان من الرجل (ع ۱): مسافت از سر آرنج تا نوک انگشت میانه‌ی انسان است، ساق دست. این واژه مؤنث است و گاهی مذکر بکار می‌رود. (فرهنگ ابجدی)

<sup>13</sup> - احتجاج-ترجمه غفاری مازندرانی، ج ۱، ص: ۳۵۹

14- احتجاج-ترجمه غفاری مازندرانی، ج ۲، ص: ۶۸

15- طایفه ای ایرانی که متهم بودند که از غالیین(غلوکنندگان در باب ائمه اطهار علیهم السلام) می‌باشند.

لیکن ای قوم شما همان سنت که بنی اسرائیل در هنگام غیبت موسی علیه السلام برداشته به افسون و دمدمه سامری گوساله پرستی پیش گرفتند. شما در خطا افتاده، حق را گذاشتید. می دانید ولیکن خود را بر مثال نادانان می نمایید.

آری به خدای عالم قسم است که شما «طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» (سوره انشقاق، آیه ۱۹)<sup>۱۶</sup> یعنی ته به ته همان سنت بنی اسرائیل را نعل به نعل و تیر به تیر برداشتید.

آری به آن خدائی که جان سلمان به ید قدرت او منوط و مربوطست اگر شما علی بن ابی طالب علیه السلام را چنانچه خدای تبارک و تعالی ولی سائر برایا گردانیده شما نیز آن حضرت را ولی خود میگردانیدید هر آینه روزی شما بغایت وسیع و درجه و مرتبه شما بینهایت رفیع میشد چنانچه از نعمت سماوی، و مستلذات ارضی میخوردید، و اگر طیور را از هوا میخواندید هر آینه اجابت شما مینمود، و اگر به ماهیان و باقی جانوران و دواب بحری حکم حضور می نمودند در ساعت اجابت کلام مسلمانان مطیع نبی العدنان را سعادت خود دانسته حاضر میگشتند و هرگز ولی از اولیاء الله فقیر و هیچ سهمی و حصه فریض

<sup>16</sup> - الف) وَ مِثْلُ قَوْلِهِ لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أَي لَتَسْلُكَنَّ سَبِيلَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَّةِ فِي الْعَذْرِ بِالْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ هَذَا كَثِيرٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ شَقَّ عَلَى النَّبِيِّ مَا يَتَوَلَّى إِلَيْهِ عَاقِبَةُ أُمَّرِهِمُ (الاحتجاج على أهل اللجاج، ج ۱، ص: ۲۴۸) ترجمه: مولا امیر المومنین علیه السلام درباره این آیه فرموده اند: «... آیه لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ، یعنی راه همان امتهای سابق در خیانت به اوصیاء پس از انبیاء را پیش خواهید گرفت، و از این موارد در قرآن بسیار است، و این سرانجام کار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بسی گران آمد...»

به) - مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ قَالَ يَا زُرَّارَةَ أَوْ لَمْ تَرَ كَبَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ فِي أَمْرِ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ (اصول الكافي ۱: ۴۱۵)

بیان ای کانت ضلالتهم بعد نبیهم مطابقتی لما صدر من الأمم السابقة من ترك الخليفة و اتباع العجل و السامری و أشباه ذلك كما. - قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِ تِلْكَ الْآيَةِ يَقُولُ حَالًا بَعْدَ حَالٍ يَقُولُ لَتَرْكَبَنَّ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَذْوُ النَّغْلِ بِالنَّغْلِ وَ الْقَدَّةُ بِالْقَدَّةِ لَا تُحْطُونَ طَرِيقَهُمْ وَ لَا يُحْطِي شِبْرٌ بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعٌ بِذِرَاعٍ وَ بَاعٌ بِبَاعٍ حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ مِنْ قَبْلَكُمْ دَخَلَ جَحْرٌ صَبًّا لَدَخَلْتُمُوهُ قَالُوا أَلَيْهُودُ وَ النَّصَارَى تَعْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَنْ أَغْنَى لَتَنْقُضَنَّ عَرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةً فَيَكُونُ أَوَّلَ مَا تَنْقُضُونَ مِنْ دِينِكُمُ الْأَمَانَةَ وَ آخِرَةَ الصَّلَاةِ (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۴، ص: ۳۵۰)

ترجمه: - زرارة از حضرت باقر در باره آیه: لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ نقل کرد که فرمود: زراره! مگر این امت پس از پیامبر اکرم مطابق کردار امت های گذشته عمل نکردند در مورد خلافت فلان و فلان و فلان. (منظور از این سه «فلان» در روایات، خلفای غاصب سه گانه می باشند.)

توضیح: یعنی گمراهی آنها پس از پیامبر اکرم مانند کارهایی بود که امت گذشته کردند از قبیل رها کردن جانشین پیغمبر خود و پیروی از گوساله و سامری و نظایر آن.

- چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر همین آیه می نویسد: طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ یعنی حالی بعد از حال دیگر می فرماید رفتار پیشینیان را بطوری از پیش می گیرید شما امت اسلام بی آنکه کمترین اختلافی با آنها داشته باشید قدم جای قدم ایشان و کاملاً در راه هدف آنها بدون تفاوتی حتی در یک وجب یا نیم متر بطوری که اگر یکی از پیشینیان داخل سوراخ سوسماری شده باشد شما هم داخل می شوید عرض کردند یا رسول الله منظور شما یهود و نصاری است فرمود پس چه کس را می گویم دستاويز و پایه های اسلام را میشکنید و از بین می برید یکی پس از دیگری: اول چیزی که از بین می برید **اهانت داری** (یعنی عهد و بیعت با خدا و

رسول ص را در باب ولایت مولا ع) و آخرین چیزها نماز است. (بخش امامت- ترجمه جلد هفتم بحار الانوار، ج ۲، ص: ۲۹۲)

خدای تعالی از طریقه عدل متجاوز و کسر نشدی، و هیچ دو نفس در حکم خدای اقدس اختلاف نکردی، و شیوه تمرّد و اعتساف برنداشتی لیکن شما ابا نموده غیر آن حضرت را متولّی ولایت و متصدّی امر خلافت امت گردانیدید الحال بشارت باد شما را به گرفتاری انواع بلا و یأس و نومیدی از یسر و رجاء و کشف و ظهور بدیها.

پس بدانید که بعد از این عصمت شما از ولایت اهل بیت محمد و آل آن حضرت که میان من و شما بوده منقطع گشته چه شما از ولایت و مودّت آل محمد برگشتید، پس امید نجات از درکات شما را ممنوع و مقطوع است زیرا که آل حضرت محمد علیهم السّلام قاید مردم به جنان و خواننده ایشان به نعیم دایم آن مکانند در روز قیامت و در هنگام جزا و پاداش عمل و طاعت.

زنهار و هزار زنهار که دست از دامن علی علیه السّلام بردارید و آن حضرت را ولیّ تمامی امت دانسته قدم از جاده طریقت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام بیرون نگذارید که آن حضرت ولیّ خدا و وصیّ محمد مصطفی و امام البرایا است و مکرّر ما همگی امیر المؤمنین علی علیه السّلام را به ولایت و امارت مؤمنان سلام کرده مبارک باد گفتیم در حضور سیّد البشر. و آن حضرت صلّی الله علیه و آله و سلّم مکرّر ما را به آن امر و حکم نمود و ما را در آن باب تأکید بسیار فرمود. چه شد که این قوم حسد بر آن حضرت (ع) کردند. أصلاً از حسد کسی خیر و نفع نبرد چنانچه قابیل با هابیل حسد برده و او را به قتل آورده و کافر گشت و از نظر پدر مطرود و خاسر شده و بر امت موسی علیه السّلام بعد از توجّه آن رسول الله میقاتگاه طور سینا همگی به افسون و دمدمه موسی بن ظفر سامری شیوه گوساله پرستی برداشتند و دین موسی علیه السّلام را گذاشته مرتدّ گشتند این امت نیز همان شیوه غیر مرضیه و طریقه ناپسندیده امت موسی علیه السّلام را اختیار کردند من از دست شما چه کنم و این کار بی‌هنجار شما به چه نوع بهنجار آرم و با که در میان گذارم.

ایها الناس شما را خیر باد مگر نه آنکه ما و شما و پدر فلان و فلان در اکثر مکان حاضر بودیم که حضرت رسول آخر الزّمان، علی علیه السّلام را به حکم ایزد سبحان به ولایت و امامت انس و جان به وحی جبرئیل امین تعیین نمود؟! الحال شما از آن عهد و میثاق که با رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم در باب علی مقرر و محکم کرده بودید جاهل شدید یا از آن تجاهل می‌نمائید آیا بر آن ولیّ ایزد مئان حسد دارید، یا خود را مانند حاسدان ظاهر می‌کنید، چیست این اوضاع؟ احوال شما، عمل و شغل اهل اسلام و ایمان، و مرضیّ نیکان و پاکان نیست و به غایت در نظرها غیر مرغوب و ناپسند است، بلکه مآل حال شما جز ندامت و خسارت نیست.



و الله به خدای عالم قسم است که شما مرتد گشته کافر خواهید شد، و بعضی شما به شمشیر گردن بعضی دیگر را بواسطه هوا و هوس و دواعی و خواهش نفس خواهد زد و جمیع عمل منکر از شما ظاهر خواهد شد. چنانچه از شما بعضی بر شخصی که به زیور تقوی و صلاح و نجات و فلاح آراسته و پیراسته باشد اتفاق نموده شهادت بر وخامت حال و سیئی افعال و هلاکت او در جمیع احوال دهند، و گاه باشد که اتفاق کرده به جهت کافر، به علانیه شهادت بر نجات و خوبی او در سرّ و علانیه دهند.

اما من إخفاء أمر حقّ بواسطه ناحقّ ننمودم و کار خود را ظاهر نمودم و تسلیم امر خود به حضرت پیغمبر خود نموده. تابع مولای خود و مولای جمیع مؤمن و مؤمنه، علی علیه السلام شدم. زیرا که آن حضرت امیر مؤمنان و سید الوصیین و قاید زمام غرّ الْمُحْجَلین<sup>۱۷</sup> و امام همگی صدیقین و شهدا و صالحین است.»

## ○ نتیجه گیری نهایی:

خدایا تو را حمد و شکر می گوئیم که اکنون می دانیم که هدف خداوند از بیان داستان «تبعت قوم موسی از سامری» در قرآن چیست! و چرا رسول اکرم (ص) در خطبه غدیر به این داستان اشاره کرده اند!

نو خود حدیث مفصل بخوان ازین مُجمل!

!!! !!! !!!

ادامه دارد!

17- این لقب را رسول اکرم ص به حضرت دادند. غرّ محجّل از اوصاف مؤمنان است. یعنی کسانی که پیشانیان بنور ایمان سفید و پاهایشان بر اثر وضو به حجل یعنی زیور سیمین مزین باشد. لذا غرّ المحجلین یعنی پیشوای رو سفیدان.